

شاهد توحیدی

اندیشمندگردانمایه، دکتر حسین رزمجو از جمله پویسگران دیر پای متون کهن ادبی و تاریخی است.او که عنوان «استاد نمونه دانشگاه فردوسی مشهد» را در کارنامه خود دارد، براین باور است که پاره‌ای از آثار منظوم و منثور فارسی از جمله تاریخ بیهقی، آنگونه که باید مورد نقد و بازنگری قرار نگرفته و در نتیجه معضلات آن، دامنگیر ادبیات و تاریخ ایران گشته است. با ایشان در تبیین بیشتر این مقوله گفت و شنودی انجام داده‌ایم که ماحصل آن را پیش روی دارید.امید آنکه مقبول افتد. ■■■

جنابعالی از دیرباز، از منتقدان بخشی از ادبیات شعری ایران بوده‌اید و بر آن نقدی هم نگاشته‌اید، ظاهراً در مرحله پس از آن، در پی نقد برخی آثار منثور و تواریخ مشهور، مانند «تاریخ بیهقی» هم بودید که ظاهرأ، این کار تاکنون جامه عمل نپوشیده است. بفرمایید که انگیزه جنابعالی از قدم نهادن به عرصه این تحقیقات چه بوده است؟ چه چیز حرقه حساسیت شما را بر بخش‌هایی از متون منظور و منثور تاریخی زد؟

بسم‌الله الرحمن الرحیم و به نستعین. بنده در سه دهه اخیر، همواره در راستای افزودن بر غنای فرهنگ و معارف انقلاب اسلامی پیش آمده‌ام، انقلاب که می‌شود ارزش‌ها تغییر می‌کنند و ارزش‌هایی که مورد توجه حکومت‌های قبل بوده‌اند باید منسوخ شوند و ارزش‌های مورد علاقه مردم – که طبعاً در کشور ما، ارزش‌های اصیل اسلامی است- گذاشته شود. از سوی دیگر وجود برخی مفاهیم در ادبیات منظوم و منثور فارسی، همواره فضای ذهنی مرا اشغال کرده و برایم سؤال برانگیز بوده است، این احساس را از دوران دبیرستان داشتم. وقتی آثار ادبی فارسی، مخصوصاً دیوان حافظ را می‌خواندم، به عنوان یک نوجوان کلاه خود را قاضی می‌کردم و مثلاً در مورد این شعر حافظ برایم سؤال و ابهام پیدایم شد که:

میوس جز لب معشوق و جام می‌حافظ

که دست زهدفروشان خلعات بوسیدن مصراع دوم اشاره به یک مفهوم اخلاقی است، ولی مصراع اول برای هر جوان کنجکاوی سؤال پیش می‌آورد. در آن دوره به نظرم می‌رسید این ابیات بدآموز است. هر چند مصراع دوم شاید جبران مصراع اول را کرده باشد، ولی در هر حال وجود این مضامین در اشعار، برای من سؤال برانگیز بود. نظیر اینها در اشعار فارسی فراوانند. منظر هم بودم کسانی که خیلی‌ها فریاد «والسلاما» سر می‌دهند، یکی‌شان حرفی بزند و چیزی بگوید و اثر انتقادی- اخلاقی محکمی منتشر شود که پنبه این نوع شعرها را بزند. البته آمد، منتها از سوی کسی مانند احمد کسروی تبریزی که فاتحه همه چیز را با هم خواند! چون دین نداشت و دین تازه‌ای آورده بود. او در کنار نفی بسیاری از مسائل دینی و اعتقادی، حتی خواندن اشعار حافظ را هم منع می‌کرد!

در تاریخ ثبت شده که کسروی بسیاری از کتب مذهبی و ادبی از جمله «دیوان حافظ» را در جشنی می‌سوزانند...

بله، جشن کتاب‌سوزان راه می‌انداخت. به هر حال این در ذهنم بود تا زمانی که به دانشکده ادبیات رسیدم و دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را پشت سر گذاشتم. موضوع را با مرحوم دکتر سیدجعفر شهیدی- که خداوند بر در جانش بیفزاید- در میان گذاشتم. داخل پرازنتر عرض کنم که بنده واقعاً مخلص ایشان بودم. ایشان هم در حوزه به اجتهاد رسیده بود و هم تحصیلات آکادمیک داشت. بسیار هم به من علاقه‌مند بود و بهترین نمره را هم به من داد، چون در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه تهران شاگرد اول شدم. به هر حال با ایشان مطرح کردم که: این بدآموزی‌ها در اشعار و متون ادب فارسی هست، آیا شما موافقد این موضوع را به عنوان رساله دکتری خودم انتخاب کنم؟ کتاب دو جلدی «شعر کهن فارسی در ترازوی نقد اخلاقی اسلامی» که الان کتاب درسی است، حاصل این گفت‌وگوست. ایشان در آن لحظه گفتند: فکر شما را تحسین می‌کنم، ولی موضوع این است که نخواهند گذاشت منتشر شود، چون دامن خودشان را می‌گیرد! شاه‌بدش نمی‌آمد مدح شعرای دربار غزنوی یا شبیه به آن، همچنان چاپ شود و به طور ضمنی او را در ذهن مخاطب تداعی کند! الحمدلله رساله دکترایم شد «انسان آرمانی و کامل» که امیرکبیر عهده‌دار چاپ آن بود و امیدوارم باز هم چاپ شود. در این کتاب بنده شعر فارسی را با این یال و کوبالی که دارد- و البته خوشبختانه جنبه‌های آموخته‌اند آن بیشتر از جنبه‌های منفی آن است- نقد کرده‌ام. در هر حال باید گفت که متأسفانه جنبه‌های بدآموزی هم، در قلمر و شعر کهن فارسی هست. بنده این موضوع را با شواهدی مدون کردم و در دو جلد در آمد. در این کتاب اشعار فردوسی تا شعرای درجه دوم را مورد نقد و بررسی قرار دادم. بنده بعضی جاها شک کردم که شاعر عالی و حکیمی مثل فردوسی چنین شعری بگوید. امثال این اشعار یا الحاقیاتی است که به دواوین آنان شده است یا آنها واقعاً در حالتی بوده‌اند که مثلاً از دست والده اقامضطبی عصبانی بوده‌اند یا به عنوان نمونه:

ز ن وژدها هر دو در خاک به جهان پاک از این هر دو ناپاک به بنده این را نوشته‌ام که از حکیم بزرگی مثل فردوسی انتظار نمی‌رود چنین سخنی بگوید که ابداً ربطی به تعالیم اسلامی و قرآنی ندارد. در قسران داریم که زن و مرد مکمل یکدیگرند و تمام قوانینی که خداوند در اسلام برای زن و مرد وضع کرده، از روی حکمت است. به هر حال بنده بر اساس این مینا، شعر کهن فارسی را نقد کردم و چاپ اول و دوم آن را انتشارات آستان قدس انجام داد، ولی از چاپ سوم به بعد، را انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد به عهده گرفت و به عنوان دو واحد در کارشناسی ارشد ادبیات تدریس می‌شود.



گذری و نقدی بر برخی مضامین کهن تاریخ فارسی در گفت‌وگوی «جوان» با دکتر حسین رزمجو

تاریخ بیهقی را در شمار آثار بدآموز می‌دانم

این مبنای نقد شما به برخی فرازهای ادبیات شعری و کهن ایران بود. اما نقد شما به پاره‌ای منثورات، از جمله منثورات تاریخی و مثلاً نوشته‌های ابوالفضل بیهقی، از چه اندیشه‌ای نشأت می‌گیرد؟ آیا این هم ادامه همان رویکردی است که در حوزه اشعار داشته‌اید؟

بله، پس از انتشار این کتاب قصد داشتم این کار را روی نثر فارسی هم بکنم که این پژوهش کامل شود، اما کتاب‌های منثور فارسی که در بسیاری از آنها لغزش‌های فراوانی هم وجود دارد، فراوانند. ضمن اینکه جنبه‌های مثبت هم در آنها فراوانند. مقداری کار کردم، ولی دیدم دامنه کار خیلی وسیع است و آن را به آینده موکول کردم و بعد هم گرفتار مسائل مختلف شدم و این کار ماند. امیدوارم اگر عمری باقی باشد، بتوانم دست‌کم بخشی از آن را به‌انجام برسانم.

فکر کنم به نقطه‌کانونی این گفت‌وگو رسیده‌ایم که شامل نقد شما به برخی متون کهن تاریخی، از جمله تاریخ بیهقی است. مفاد این مرجع تاریخی، از کدام جنبه مورد نقد شما قرار گرفته است و چرا؟

موضوع خیلی روشن است. هر محفل دبیرستانی، اگر مختصری با تاریخ اسلام آشنا باشد می‌داند دشمن‌ترین دشمنان تشیع علوی و علویان و مخصوصاً علی بن ابیطالب (ع)، عباسیان هستند و



بیهقی در جایی از زبان مادر حسنگ وزیر تصریح می‌کند که دو پادشاه پسر مرا خوشبخت کردند! یکی در دنیا سلطان محمود و یکی در آخرت نام جاوید نکته‌هایی هستند که با خواندن سطحی تاریخ بیهقی دست کسی نمی‌آیند، باید حتماً تشیع علوی و امامان شهید و پدر بزرگوارشان

امام علی(ع) و ابن عباسیان سفاک را بشناسد و بعد قلم به دست بگیرد و تاریخ بنویسد

بیشتر ائمه اطهار (ع) از امام صادق (ع) به این طرف توسط اینها شهید شدند. ایادی اینها در ایران، شما به پاره‌ای منثورات، از جمله منثورات تاریخی و مثلاً نوشته‌های ابوالفضل بیهقی، از چه اندیشه‌ای نشأت می‌گیرد؟ آیا این هم ادامه همان رویکردی است که در حوزه اشعار داشته‌اید؟

بله، پس از انتشار این کتاب قصد داشتم این کار را روی نثر فارسی هم بکنم که این پژوهش کامل شود، اما کتاب‌های منثور فارسی که در بسیاری از آنها لغزش‌های فراوانی هم وجود دارد، فراوانند. ضمن اینکه جنبه‌های مثبت هم در آنها فراوانند. مقداری کار کردم، ولی دیدم دامنه کار خیلی وسیع است و آن را به آینده موکول کردم و بعد هم گرفتار مسائل مختلف شدم و این کار ماند. امیدوارم اگر عمری باقی باشد، بتوانم دست‌کم بخشی از آن را به‌انجام برسانم.

فکر کنم به نقطه‌کانونی این گفت‌وگو رسیده‌ایم که شامل نقد شما به برخی متون کهن تاریخی، از جمله تاریخ بیهقی است. مفاد این مرجع تاریخی، از کدام جنبه مورد نقد شما قرار گرفته است و چرا؟

موضوع خیلی روشن است. هر محفل دبیرستانی، اگر مختصری با تاریخ اسلام آشنا باشد می‌داند دشمن‌ترین دشمنان تشیع علوی و علویان و مخصوصاً علی بن ابیطالب (ع)، عباسیان هستند و

بسم‌الله الرحمن الرحیم و به نستعین. بنده در سه دهه اخیر، همواره در راستای افزودن بر غنای فرهنگ و معارف انقلاب اسلامی پیش آمده‌ام، انقلاب که می‌شود ارزش‌ها تغییر می‌کنند و ارزش‌هایی که مورد توجه حکومت‌های قبل بوده‌اند باید منسوخ شوند و ارزش‌های مورد علاقه مردم – که طبعاً در کشور ما، ارزش‌های اصیل اسلامی است- گذاشته شود. از سوی دیگر وجود برخی مفاهیم در ادبیات منظوم و منثور فارسی، همواره فضای ذهنی مرا اشغال کرده و برایم سؤال برانگیز بوده است، این احساس را از دوران دبیرستان داشتم. وقتی آثار ادبی فارسی، مخصوصاً دیوان حافظ را می‌خواندم، به عنوان یک نوجوان کلاه خود را قاضی می‌کردم و مثلاً در مورد این شعر حافظ برایم سؤال و ابهام پیدایم شد که:

بیهقی در جایی از زبان مادر حسنگ وزیر تصریح می‌کند که دو پادشاه پسر مرا خوشبخت کردند! یکی در دنیا سلطان محمود و یکی در آخرت نام جاوید نکته‌هایی هستند که با خواندن سطحی تاریخ بیهقی دست کسی نمی‌آیند، باید حتماً تشیع علوی و امامان شهید و پدر بزرگوارشان

امام علی(ع) و ابن عباسیان سفاک را بشناسد و بعد قلم به دست بگیرد و تاریخ بنویسد

بله، بنده در ۲۵ سال قبل تاریخ بیهقی را جزو کتب بدآموز دسته‌بندی کردم! مجالس شش‌بخشوی سلطان مسعود و خمنخانه‌ها را به تفصیل شرح می‌دهد و صله‌هایی که به شاعران مداح و متعلق می‌دهند. از همه بدتر اینکه در چاپ جدید این اثر، جناب مصحح نتیجه می‌گیرد دین کتاب از لحاظ



گذری و نقدی بر برخی مضامین کهن تاریخ فارسی در گفت‌وگوی «جوان» با دکتر حسین رزمجو

دار و دسته مسعود و محمود غزنوی اولین منافقینی بودند که علیه تشیع کار کردند و ابوالفضل بیهقی با قلمی که انصافاً شیبا و روان است احوال اینها را نگاشته، اما متأسفانه کسی به محتوای این کتاب توجه نکرده است. بیهقی اگر داستان هارون الرشید را به این سبک در اد مکه می‌آورد، نمی‌خواهد زهد اسلامی را معرفی کند، بلکه می‌خواهد یک چهره رثوف، لطیف و طالب زهد و دین از هارون الرشید بسازد

بیشتر ائمه اطهار (ع) از امام صادق (ع) به این طرف توسط اینها شهید شدند. ایادی اینها در ایران، شما به پاره‌ای منثورات، از جمله منثورات تاریخی و مثلاً نوشته‌های ابوالفضل بیهقی، از چه اندیشه‌ای نشأت می‌گیرد؟ آیا این هم ادامه همان رویکردی است که در حوزه اشعار داشته‌اید؟

بله، پس از انتشار این کتاب قصد داشتم این کار را روی نثر فارسی هم بکنم که این پژوهش کامل شود، اما کتاب‌های منثور فارسی که در بسیاری از آنها لغزش‌های فراوانی هم وجود دارد، فراوانند. ضمن اینکه جنبه‌های مثبت هم در آنها فراوانند. مقداری کار کردم، ولی دیدم دامنه کار خیلی وسیع است و آن را به آینده موکول کردم و بعد هم گرفتار مسائل مختلف شدم و این کار ماند. امیدوارم اگر عمری باقی باشد، بتوانم دست‌کم بخشی از آن را به‌انجام برسانم.

بسم‌الله الرحمن الرحیم و به نستعین. بنده در سه دهه اخیر، همواره در راستای افزودن بر غنای فرهنگ و معارف انقلاب اسلامی پیش آمده‌ام، انقلاب که می‌شود ارزش‌ها تغییر می‌کنند و ارزش‌هایی که مورد توجه حکومت‌های قبل بوده‌اند باید منسوخ شوند و ارزش‌های مورد علاقه مردم – که طبعاً در کشور ما، ارزش‌های اصیل اسلامی است- گذاشته شود. از سوی دیگر وجود برخی مفاهیم در ادبیات منظوم و منثور فارسی، همواره فضای ذهنی مرا اشغال کرده و برایم سؤال برانگیز بوده است، این احساس را از دوران دبیرستان داشتم. وقتی آثار ادبی فارسی، مخصوصاً دیوان حافظ را می‌خواندم، به عنوان یک نوجوان کلاه خود را قاضی می‌کردم و مثلاً در مورد این شعر حافظ برایم سؤال و ابهام پیدایم شد که:

میوس جز لب معشوق و جام می‌حافظ

بیهقی در جایی از زبان مادر حسنگ وزیر تصریح می‌کند که دو پادشاه پسر مرا خوشبخت کردند! یکی در دنیا سلطان محمود و یکی در آخرت نام جاوید نکته‌هایی هستند که با خواندن سطحی تاریخ بیهقی دست کسی نمی‌آیند، باید حتماً تشیع علوی و امامان شهید و پدر بزرگوارشان

امام علی(ع) و ابن عباسیان سفاک را بشناسد و بعد قلم به دست بگیرد و تاریخ بنویسد

پیش‌خوان

نیم‌نگاهی به اثر «تاریخ و جلوه‌های عزاداری امام حسین در ایران»

نمودار یک شیدایی دیرین

■ **اصغر حیدری**



شاه‌اسماعیل بنیادهای این مذهب با کمک عالمان معروف آن زمان قوام یافت و صفویان در تحکیم آن کوشیدند و در کنار آن، به منظور تحکیم موقعیت و حکومتشان از این مذهب سود جستند. در این زمینه، گسترش نمادهای عزاداری ماه محرم و واقعه عاشورا که هر شیعی مذهبی نسبت به آن حساس و فعال بود و هنوز هم هست- جایگاه خاصی داشت. اما این مطلب به معنای آن نیست که تشیع صفویان از روی سیاست و مصلحت باشد، بلکه آنان واقعاً و از صمیم دل شیعه مذهب بودند.

در مقابل تهدیدهای امپراتوری عثمانی سنی مذهب که چندین بار پایتخت کشور ایران، شهر تبریز را طی هجوم‌های سنگین خویش تسخیر کرده بود، یکی از راه‌های اساسی مقاومت و حفظ کشور تشیع و تحریک احساسات مذهبی-شیعی مردم ایران بود. امری که با گسترش عزاداری‌های ماه محرم به دست می‌آمد. تحقیق در زمینه عزاداری‌های ماه محرم در عصر صفوی و بررسی چگونگی ایجاد نمادهای عزاداری ضروری به نظر می‌رسد تا بخش مهمی از حیات اجتماعی-سیاسی و به‌خصوص مذهبی ایران به دست آید. بی‌شک ریشه‌های بسیاری از عزاداری‌ها و آداب و رسوم مذهبی فعلی را باید در زمان مذکور جست‌وجو کرد و پس از یافتن، باید آنها را با محک قوانین شرع و عقل دینی سنجید.

سؤال‌های اساسی که در این پژوهش می‌کوشیم بدان‌ها جواب بدهیم، عبارت‌اند از:

مبانی تاریخی از مراسم عزاداری حسین در دوران قاجار در تهران



ارائه داد:

- منابع اصلی تاریخی و حدیثی قبل از صفوی ۵۱ عنوان.
- منابع اصلی تاریخی دوره صفوی ۱۳ عنوان.
- نظام و نثر زمان صفوی در مورد عزاداری ۵ عنوان.
- منابع اصلی تاریخی دوره قاجاری ۱۲ عنوان.
- سفرنامه‌های خارجی، سفرنامه‌های خارجی مورد رجوع در دوره صفویه عبارت‌اند از: شاردن (Chardin)، دل‌الوه (Dell Valle)، فیگوئرا (Figueroa)، تاورنیه (Tavernier)، اولتاریوس (Olearius)، دوگوا (Dugova)، کمپفر (Kaempfer)، سانسون (Sanson)، کاتف (Catof)، چلی (Chalabi)، لابرون (Labrun)، کاری (Careri)، کروسینسکی (Krusinski)، وینزیان.
- سفرنامه‌های خارجی، سفرنامه‌های خارجی مورد رجوع در دوره صفویه عبارت‌اند از: شاردن (Chardin)، دل‌الوه (Dell Valle)، فیگوئرا (Figueroa)، تاورنیه (Tavernier)، اولتاریوس (Olearius)، دوگوا (Dugova)، کمپفر (Kaempfer)، سانسون (Sanson)، کاتف (Catof)، چلی (Chalabi)، لابرون (Labrun)، کاری (Careri)، کروسینسکی (Krusinski)، وینزیان.
- تحقیقات خارجی معاصر ۱۱ عنوان.
- تحقیقات داخلی معاصر ۵۱ عنوان.

در مجموع، به حدود ۷۰ عنوان منبع راجع به صفویه شامل منابع اصلی نظم و نثر، سفرنامه، تحقیقات خارجی و داخلی مراجعه شده است.

■■■■■

در پایان مقدمه لازم است متذکر شوم کتاب حاضر، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته ایران‌شناسی است که با راهنمایی آقای دکتر منصور ثروت در بهمن ۱۳۸۵ با موفقیت از آن دفاع کردم. طی دوره تحصیلات کارشناسی ارشد در استادان بزرگوار و فاضل بنیاد ایران‌شناسی استفاده علمی شایانی بردم و بر خود فرض می‌دانم از تلاش‌ها و زحمات ریاست محترم بنیاد ایران‌شناسی مرحوم دکتر حسن حبیبی و اساتید محترم کمال تشکر و امتنان را داشته باشم.